خبر

سازش ۳۹ درصدی پرونده های ورودی به شورای حل اختلاف گلستان

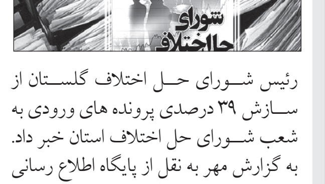

رئیس شورای حل اختلاف گلستان از سازش ۳۹ درصدی پرونده های ورودی به شعب شورای حل اختلاف استان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل استان گلستان، احمد جعفری اظهار کرد: میانگین سازش پرونده ها در کشور ۳۲ درصد بوده در حالی که این رقم در گلستان امسال به ۳۹ درصد رسیده است. وی افزود: با تدبیر رئیس کل دادگستری استان شعب صلحی در دادسراها و دادگستری ها مستقر شده که این امر در افزایش سازش پرونده ها در گلستان، تاثیرگذار است.معاون قضایی و رئیس شوراهای حل اختلاف گلستان در ادامه سخنان خود از تلاش اعضای شورا و همراهی ریش سفیدان برای پادرمیانی در پرونده های خاص مانند قتل خبر داد و گفت: از ابتدای امسال تاکنون اولیای دم با پادرمیانی اعضای شورای حل اختلاف، ۱۷ محکوم به قصاص را بخشیدند در حالی که سال ۹۶، هفت محکوم به قصاص بخشیده شدند.وی گفت: از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۶۶ هزار پرونده وارد شعب شورا شده که نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۶ درصد بیشتر است.جعفری افزود: با وجود افزایش ورودی ها، آمار رسیدگی و مختومه کردن پرونده ها ۱۴ درصد افزایش را نشان می دهد. وی کمبود قاضی را یکی از مشکلات عمده شورا برشمرد و گفت: کمبود قضات ثابت در شعب، صدور رأی نهایی در برخی پرونده ها را حتی تا یک ماه به تاخیر می اندازد که این امر هم سرعت رسیدگی ها را کم می کند و هم مردم را سرگردان می کند که امیدواریم با رایزنی های انجام شده به زودی این مشکل هم رفع شود.

اجرای نقاشی دیواری داستان های شاهنامه فردوسی در گرگان

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری گرگان از نقاشی دیواری شهرک ایثار گرگان به متراژ هزار و ۶۵۶ متر مربع با بهره گیری از مضامین شاهنامه فردوسی خبر داد. به گزارش مهر، یحیی ستوده نیا اظهار کرد: نقاشی دیواری شهرک ایثار به متراژ هزار و ۶۵۶ متر مربع با بهره گیری از مضامین شاهنامه اجرا می شود. وی افزود: طرح های اجرا شده، مضامین برگرفته از شاهنامه شاه اسماعیل دوم و همچنین شاهنامه شاه طهماسب است که به دوره اول صفوی تعلق دارند.ستوده نیا ادامه داد: در یک طرح هم به خاطر هماهنگی با فضای درختان از نگاره معراج نامه سلطان محمد استفاده شده است.وی گفت: در هنر نقاشی دیواری یکی از امکانات و ترفندهای مورد استفاده هنرمند برای ایجاد فضایی آشنا در نظر مخاطب، بهره بردن از فضای سه بعدی در زمینه تخت و مسطح دیوار و همچنین استفاده از عناصر و اشیاء حقیقی در فضای مجازی است.ستوده نیا توضیح داد: در تمامی پلان های طراحی شده به غیر از تناسب و هماهنگی فضای معماری و نگاره، سعی بر آن شده است تا مخاطب پرده ای از یک واقعه و داستان را به صورت امروزی و در زمان حال تجربه کند که این اتفاق به دلیل از بین نرفتن اصالت فرم نگاره ها تنها با ایجاد فضایی هندسی که به معماری معاصر نزدیک بوده، ایجاد شده است.وی با اشاره به این که سعی بر آن بوده که این فضای هندسی و ساختمانی شباهت زیادی به کاخ ها و بناهای مورد استفاده در نگارگری ایرانی داشته باشد، گفت: برای تناسب و هماهنگی فرم و فضای نگاره ها با فضای بیرونی در چهار طرح آغازین، سعی شده است تا با استفاده از درختان و آسمان واقع گرا و همچنین نرده و پنجره و غیره، چشم مخاطب به داخل کادر دیوار هدایت شود.ستوده نیا خاطرنشان کرد: تلفیق نگاره ها با اشیاء و فرم های واقعی به مضامین مورد استفاده در نگاره های ایرانی نزدیک است و در چهار طرح پایانی هم به همین منوال، ولی با تاکید بیشتر بر خود نگاره ها، سعی شده تا مخاطب به داخل داستان هدایت شود.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

چنار سبزه مشهد در محاصره سازه ها

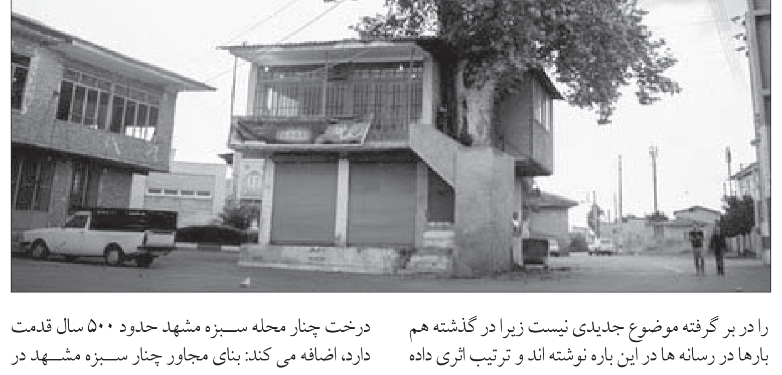

از چنارهای کهن بافت تاریخی گرگان که روزی عنصر اصلی تشکیل محلات بود، تنها چنار ۵۰۰ ساله محله سبزه مشهد باقیمانده که آن هم به گفته کارشناسان، حصار سیمانی اطراف آن، حیاتش را تهدید می کند. به گزارش مهر، سوختن، فرو ریختن و قطع درختان چنار کهنسال بافت تاریخی گرگان، این فرصت را به نسل های جدید نداد تا بتوانند با قدم زدن در محلات قدیم شهر، درختان چنار تنومند را مشاهده کنند اما در خاطرات پدران و مادران خود، حتما نام درخت چنار محلاتی مانند سبزه مشهد، سرچشمه، دربنو، سرپیر، نعلبندان و میدان عباسعلی را شنیده اند. گویا این موجود زنده در گذشته به نوعی با زندگی مردم عجین بوده که وجود دست کم یک چنار در هر مرکز محله را ضروری کرده بود. درختان چنار در محله های قدیمی گرگان، میراث زنده ای بودند که باوجود تاکید گذشتگان بر حفظشان، امروز اثری از آنها در محله های قدیمی شهر، به جز سبزه مشهد نیست. درختی کهنسال که ریشه اش در آسفالت فرو رفته و بدنه اش در حصاری سیمانی و بنایی که به اعتقاد کارشناسان، تاریخی نیست، محصور شده است.

دیوار سیمانی اطراف چنار آسیب به درخت است

یک کارشناس منابع طبیعی ایجاد دیوار سیمانی در اطراف چنار کهنسال سبزه مشهد را آسیب به درخت می داند و می گوید: این دیوار سیمانی نه تنها زیبایی چنار را از بین می برد بلکه به درخت هم آسیب می رساند. مریم رضایی می افزاید: آوندها که نوعی بافت هادی در گیاهان بوده و وظیفه انتقال آب و مواد محلول در داخل درخت را بر عهده دارند با وجود چنین دیواره سیمانی، ناقص عمل کرده و رفته رفته باعث نابودی درخت خواهند شد.انتقاد کارشناسان از دیواره سیمانی اطراف درخت و بنایی که پیرامون بدنه آن را در بر گرفته موضوع جدیدی نیست زیرا در گذشته هم بارها در رسانه ها در این باره نوشته اند و ترتیب اثری داده نشده است.

درخت چنار محله سبزه مشهد حدود ۵۰۰ سال قدمت دارد

اما یک پژوهشگر تاریخ و فرهنگ گرگان نسبت به ادامه این روند و به خطر افتادن سلامت این درخت کهنسال در آینده هشدار می دهد و می گوید: چنار درختی است که اگرچه به ظاهر سالم دیده می شود اما از آنجایی که از درون خالی می شود یکباره فرو خواهد ریخت؛ مشابه این اتفاق برای چنار کهنسال چند محله بافت تاریخی گرگان رخ داد. محمود اخوان با بیان اینکه طبق اعلام کارشناسان درخت چنار محله سبزه مشهد حدود ۵۰۰ سال قدمت دارد، اضافه می کند: بنای مجاور چنار سبزه مشهد در حریم درخت کهنسال قرار دارد بنابراین تخریب این سازه که ارزش تاریخی ندارد، ضروری است؛ باید بنا دوباره به گونه ای ساخته شود که به چنار آسیبی نرسد. وی ادامه می دهد:از بین درختان چنار محلات قدیمی گرگان،فقط چنار محله سبزه مشهد و میخچه گران باقیمانده که البته چنار میخچه گران قدمتی مشابه درخت سبزه مشهد ندارد. به گفته اخوان، چنار کهن محله سرچشمه دچار آتش سوزی شده، چنار نعلبندان قطع شد و چنارهای محله های دربنو، میدان و سرپیر هم به خاطر بی توجهی از بین رفت.این پژوهشگر تاریخ و فرهنگ گرگان معتقد است که در گذشته درخت چنار یکی از نشانه های مهم تکیه یا مرکز محلات و جایی برای پاتوق افراد محل بود.او می افزاید: چنار در مرکز محلات، به عنوان شناسنامه آن محل به شمار می رفت و هر محلی که استقلال پیدا می کرد، چناری در مرکز محله کاشته می شد.

حفاظت درخت چنار از وظایف میراث فرهنگی است

هرچند که متولیان وقت میراث فرهنگی استان در رسانه ها درباره موضوع چنار سبزه مشهد اعلام کرده بودند که درخت چنار متولی خاصی ندارد اما این بار معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان حفاظت و نگهداری از این درخت کهن را وظیفه ذاتی این دستگاه اعلام می کند و می گوید: این موضوع ثبت در گذشته هم از سوی میراث فرهنگی استان پیگیری شده است. سارا اخوت می افزاید: پرونده ثبت درخت چنار سبزه مشهد به تهران ارسال شد اما چون چنار را درخت بومی استان می دانند حاضر به ثبت اثر نشدند. او ضمن یادآوری ثبت بافت تاریخی استرآباد در فهرست آثار ملی، ادامه می دهد: از آنجایی که این درخت هم جزئی از بافت به شمار می رود، حفاظت آن ضروری است.اخوت قول پیگیری رفع حصاری سیمانی از درخت را می دهد و می گوید: قطعا برای رفع مشکل این درخت تلاش خواهیم کرد. گرگان شهری است که چنارهای دیگری هم داشته و دارد، چنارهایی که نه فقط قدمت چندین ساله بلکه سرسبزی و شادابی، ویژگی بارز آن ها به شمار می رود. درختانی که در گوشه و کنار شهر به وفور پیدا می شود اما هیچ یک از آن ها حتی یک پلاک برای معرفی به مردم ندارد درحالی که شهرت آن ها کمک بزرگی در حفظ و حراست شان می کند.

توافق نهایی برای راه اندازی پروژه سرنگ سازی آق قلا انجام شد

توافق نهایی برای راه اندازی پروژه سرنگ سازی آق قلا انجام شد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی هلال احمر گلستان، طی تفاهم نامه ای فی ما بین سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال احمر و جمعیت هلال احمر گلستان پروژه سرنگ سازی آق قلا برای راه اندازی به جمعیت هلال احمر گلستان واگذار شد. در جلسه ای که با حضور علی فرجی، مدیرعامل سازمان تدارکات پزشکی و محمدعلی هروی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان گلستان برگزار شد، تفاهم نامه ای بین سازمان تدارکات پزشکی و شرکت تجهیزات پزشکی هلال ایران با جمعیت هلال احمر گلستان صورت گرفت.به موجب این تفاهم نامه پروژه سرنگ سازی واقع در شهرستان آق قلا به انضمام سوله و همه مستحدثات پس از اخذ نظریه کارشناسی به جمعیت هلال احمر گلستان واگذار و مقرر شد سوله واقع در زمین مازاد از سوی شرکت تجهیزات پزشکی هلال ایران جمع آوری و به محل کارخانه منتقل شود.شروع پروژه سرنگ سازی آق قلا باهمکاری شرکت تجهیزات پزشکی هلال ایران وابسته به سازمان تدارکات پزشکی هلال احمر و جمعیت هلال احمر گلستان در اوایل سال ۱۳۹۰ آغاز و اقدامات اولیه برای تولید انواع سرنگ صورت پذیرفت تا استان گلستان به یکی از قطب های تولید تجهیزات پزشکی یکبار مصرف تبدیل شود.

۵۰ درصد صادرات غیرنفتی گلستان متعلق به تجار گنبدی است

معاون استاندار گلستان و فرماندار ویژه گنبدکاووس گفت:از ۱۰۰ درصد صادرات غیرنفتی استان گلستان، ۵۰ درصد آن مربوط به بازرگانان گنبدکاووس است. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی فرمانداری گنبد کاووس، عبدالقدیر کریمی در جمع دانشجویان دانشگاه فرهنگیان با بیان اینکه گنبدکاووس ۱۴۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور ترکمنستان دارد، اظهارکرد: کالاهای غیرنفتی استان گلستان به کشورهای آسیای میانه، تاجیکستان،ترکمنستان و قزاقستان صادر می شود.وی افزود: در حوزه سرمایه گذاری و اقتصادی از طریق بخش خصوصی نیز فعالیت های خوبی صورت گرفته است.کریمی بیان کرد: از ۱۰۰ درصد صادرات غیرنفتی استان گلستان، ۵۰ درصد آن مربوط به بازرگانان گنبدکاووس است. فرماندار ویژه گنبدکاووس ادامه داد: از یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان سرمایه گذاری بخش خصوصی در گلستان حدود هزار میلیارد تومان در گنبدکاووس انجام شده است و این به سبب ظرفیت بالای این شهرستان است.وی اضافه کرد: باعث افتخار است که شهرستان گنبدکاووس به واسطه برخورداری از ظرفیت و پتانسیل مناسب، در حوزه صادرات حرف برای گفتن داشته باشد.کریمی با اعلام این نکته که علاوه بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، در بخش دولتی هم موفقیت های خوبی داشتیم، افزود: یک سوم سرمایه گذاری بخش دولتی استان مبلغی حدود ۳۰۰ میلیارد تومان هفته دولت، در گنبدکاووس انجام شده است.

» آگهی‌های ثبتی

آگهی مزایده مال غیرمنقول
پرونده کلاسه ۹۵۰۰۸۸۸

ششدانگ عرصه و اعیان یک دستگاه آپارتمان (وضعیت خاص طلق) به شماره شش فرعی از سه هزار و دویست و سی و شش اصلی قطعه چهار تفکیکی مفروز و مجزی شده از دو فرعی از اصلی مذکور قطعه چهار واقع در بخش یک حوزه ثبت گرگان به مساحت (۸۲/۳۳) هشتاد و دو متر و سی و سه دسیمتر مربع واقع در سمت شمالی طبقه دو که (۳/۴۸) سه متر و چهل و هشت دسی مترمربع آن بالکن شمالی است به انضمام پارکینگ مزاحم قطعه دو تفکیکی به مساحت (۱۲/۵) دوازده متر و پنجاه دسی مترمربع واقع در همکف به انضمام انباری قطعه سه تفکیکی به مساحت(۵/۷۸) پنج متر و هفتاد و هشت دسی مترمربع واقع در طبقه چهارم با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان ها و آیین نامه اجرایی که ذیل ثبت ۴۴۰۲۸ صفحه ۳۳۱ دفتر جلد ۳۲۶ بنام خانم عاطفه عبدالهی ثبت و سند مالکیت صادر گردیده که محدود به حدود ذیل می باشد:

شمالا: دیواریست به طول(۱۰/۰۰) ده متر به ملک مجاور. شرقا: در نه قسمت، که قسمت های چهارم و ششم و هفتم آن جنوبی است. اول دیوار و پنجره است به طول (۳/۳۰) سه متر و سی سانتیمتر به فضای حیاط مشاعی، دوم نیم دیوار جلوی بالکن به طول (۲/۹۰) دو متر و نود سانتیمتر به فضای حیاط مشاعی، سوم دیواریست مشترک به طول(۰/۰۸) هشت سانتیمتر به آپارتمان قطعه ۵. چهارم دیواریست مشترک به طول (۱/۱۷) یک متر و هفده سانتیمتر به آپارتمان قطعه ۵. پنجم دیواریست مشترک به طول (۳/۳۰) سه متر و سی سانتیمتر به آپارتمان قطعه ۵. ششم دیواریست مشترک به طول(۱/۳۰) یک متر و سی سانتیمتر به آپارتمان قطعه ۵. هفتم دیواریست به طول (۰/۴۰) چهل سانتیمتر به داکت. هشتم دیواریست به طول(۰/۶۰) شصت سانتیمتر به داکت. نهم دیواریست مشترک به طول(۱/۳۵) یک متر و سی و پنج سانتیمتر به آپارتمان قطعه ۵. جنوبا: در سه قسمت، که قسمت دوم آن شرقی است، اول دیواریست مشترک به طول (۰/۵۱) پنجاه و یک سانتیمتر به آپارتمان قطعه ۵. دوم دیواریست مشترک به طول(۰/۰۸) هشت سانتیمتر به آپارتمان قطعه ۵، سوم درب و دیوار است به طول (۳/۵۰) سه متر و پنجاه سانتیمتر به راه پله. غربا: در چهار قسمت، که قسمت سوم آن جنوبی، است اول دیواریست به طول(۴/۸۹) چهار متر و هشتاد و نه سانتیمتر به درز انقطاع، دوم دیوار و پنجره است به طول(۲/۵۰) دو متر و پنجاه سانتیمتر به فضای حیاط مشاعی، سوم دیوار و پنجره است به طول(۴/۰۰) چهار متر به فضای حیاط مشاعی، چهارم دیواریست به طول(۴/۱۵) چهار متر و پانزده سانتیمتر به ملک مجاور.

نامبرده ملکی خود را با کلیه مستحدثات و متعلقات منصوبه در آن که فاقد بیمه معتبر می باشد، جهت اخذ تسهیلات طی سند رهنی شماره ۱۳۹۱۶ به تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۵ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۴ گرگان در رهن بانک صادرات قرار گرفت که به علت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجراییه با موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۸۱۲/۳۵۶/۸۸۸ ریال (هشتصد و دوازده میلیون و سیصد و پنجاه و شش هزار و هشتصد و هشتاد و هشت ریال) گردیده که در این اداره به پرونده کلاسه ۹۵۰۰۸۸۸ تشکیل گردیده است.

بنا به تقاضای بستانکار و در اجرای ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت پلاک مورد وثیقه توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۱/۲۳۳/۵۴۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و دویست و سی و سه میلیون و پانصد و چهل هزار ریال) ارزیابی که قطعی گردیده و برابر گزارش کارشناس منتخب ملک مورد وثیقه در گرگان، خیابان امام خمینی، آفتاب ۱۲، شیرکش دوم، کهن ۸، ساختمان صالح، طبقه دوم شمالی واقع و ملک مذکور یک دستگاه آپارتمان مسکونی در مجتمع ۹ واحدی سه طبقه با مشخصات اسکلت ساختمان بتنی، دو خواب، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و حمام، پوشش داخلی دیوارها گچ، کف هال و پذیرایی سرامیک، بدنه آشپزخانه کاشی و کف سرامیک با کابینت ام دی اف، می باشد. فاقد آسانسور و دارای انباری و پارکینگ در همکف بوده و دارای انشعاب آب، برق و گاز می باشد. چنانچه بابت حق الاشتراک و حق الامتیاز آب، برق و گاز، مصرف و عوارض شهرداری و بدهی مالیاتی اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد برعهده برنده مزایده می باشد. لذا جلسه مزایده از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ در محل اداره اجرای اسناد رسمی گرگان واقع در خیابان شهید رجایی ـ گلشن ۲۲ از مبلغ ۱/۲۳۳/۵۴۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و دویست و سی و سه میلیون و پانصد و چهل هزار ریال) شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد. طالبین خرید می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر تا قبل از برگزاری مزایده از ملک مورد نظر بازدید بعمل آورند.

عظیمی پور ـ کفیل اداره اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا شهرستان گرگان
۲۲۲۴ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه

بدینوسیله به آقای سالار زرگری فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ و کدملی ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ به نشانی گرگان، فرهنگ شهر، خیابان ۱۴ متری فرهنگ شهر، بن بست فرهنگ شهر ۵، کدپستی ۴۹۱۷۹۷۴۷۵۱ ابلاغ می گردد بانک پاسارگاد برابر قرارداد شماره ۳۵۰۱/۳۵/۱۰۲۹۵۴۹/۷ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۳ با موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۱/۴۴۱/۹۱۳/۴۵۰ ریال (یک میلیارد و چهارصد و چهل و یک میلیون و نهصد و سیزده هزار و چهارصد و پنجاه ریال) که از تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ روزانه مبلغ ۷۹۹/۳۸۴ ریال تا تاریخ تسویه حساب کامل به بدهی اضافه می گردد بر علیه شما و شرکت سیم کابل نگین و آرشام جعفری فرزند عبداله و عبداله جعفری فرزند قربانعلی و سمیرا آل هاشم فرزند سیدفاضل مبادرت به صدور اجراییه نموده که در این اداره به پرونده کلاسه ۹۷۰۱۱۰۳ تشکیل؛ که برابر گزارش مامور پست شما در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار هم نتوانسته آدرس شما را معرفی نماید؛لذابنا به درخواست بستانکار طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا به شما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل و یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد، ظرف ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

حسین اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۲۲۳۱ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه

بدینوسیله به آقای سالار زرگری فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ و کدملی ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ به نشانی گرگان، فرهنگ شهر، خیابان ۱۴ متری فرهنگ شهر، بن بست فرهنگ شهر ۵، کدپستی ۴۹۱۷۹۷۴۷۵۱ ابلاغ می گردد بانک پاسارگاد برابر قرارداد شماره ۳۵۰۱/۳۵/۱۰۲۹۵۴۹/۹ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۹ با موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۲/۸۱۸/۸۱۵/۸۴۳ ریال (دو میلیارد و هشتصد و هجده میلیون و هشتصد و پانزده هزار و هشتصد و چهل و سه ریال) که از تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ روزانه مبلغ ۱/۵۷۴/۷۸۲ ریال تا تاریخ تسویه حساب کامل به بدهی اضافه می گردد بر علیه شما و شرکت سیم کابل نگین و آرشام جعفری فرزند عبداله و عبداله جعفری فرزند قربانعلی و سمیرا آل هاشم فرزند سیدفاضل مبادرت به صدور اجراییه نموده که در این اداره به پرونده کلاسه ۹۷۰۱۰۹۰ تشکیل؛ که برابر گزارش مامور پست شما در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار هم نتوانسته آدرس شما را معرفی نماید؛ لذا طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا به شما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد، ظرف ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

حسین اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۲۲۳۲ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه

بدینوسیله به آقای سالار زرگری فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ و کدملی ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ به نشانی گرگان، فرهنگ شهر، خیابان ۱۴ متری فرهنگ شهر، بن بست فرهنگ شهر ۵، کدپستی ۴۹۱۷۹۷۴۷۵۱ ابلاغ می گردد بانک پاسارگاد برابر قرارداد شماره ۳۵۰۱/۳۵/۱۰۲۹۵۴۹/۸ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۷ با موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۲/۳۸۰/۸۶۷/۰۸۱ ریال) که از تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ روزانه مبلغ ۱/۳۲۸/۶۴۹ ریال تا تاریخ تسویه حساب کامل به بدهی اضافه می گردد بر علیه شما و شرکت سیم کابل نگین و آرشام جعفری فرزند عبداله و عبداله جعفری فرزند قربانعلی و سمیرا آل هاشم فرزند سیدفاضل مبادرت به صدور اجراییه نموده که در این اداره به پرونده کلاسه ۹۷۰۱۱۳۲ تشکیل؛ که برابر گزارش مامور پست شما در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار هم نتوانسته آدرس شما را معرفی نماید؛ لذا طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا به شما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد، ظرف ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

حسین اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۲۲۳۳ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه

بدینوسیله به آقای سالار زرگری فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ و کدملی ۲۱۱۰۵۳۱۶۲۲ به نشانی گرگان، فرهنگ شهر، خیابان ۱۴ متری فرهنگ شهر، بن بست فرهنگ شهر ۵، کدپستی ۴۹۱۷۹۷۴۷۵۱ ابلاغ می گردد بانک پاسارگاد برابر قرارداد شماره ۳۵۰۱/۳۵/۱۰۲۹۵۴۹/۶ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۳ با موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۱/۴۷۲/۹۲۵/۴۳۹ ریال (یک میلیارد و چهارصد و هفتاد و دو میلیون و نهصد و بیست و پنج هزار و چهارصد و سی و نه ریال) که از تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ روزانه مبلغ ۸۲۰/۱۶۴ ریال تا تاریخ تسویه حساب کامل به بدهی اضافه می گردد بر علیه شما و شرکت سیم کابل نگین و آرشام جعفری فرزند عبداله و عبداله جعفری فرزند قربانعلی و سمیرا آل هاشم فرزند سیدفاضل مبادرت به صدور اجراییه نموده که در این اداره به پرونده کلاسه ۹۷۰۱۱۳۱ تشکیل؛ که برابر گزارش مامور پست شما در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار هم نتوانسته آدرس شما را معرفی نماید؛ لذا طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا به شما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل و یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد، ظرف ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

حسین اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۲۲۳۵ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه پرونده اجرایی کلاسه ۹۵۰۰۱۰۴ اداره اجرای اسناد رسمی گرگان طبق مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا

بدینوسیله به آقای ابوالفضل دچانی فرزند عباسعلی ش ش ۱۶۸۴ صادره از گرگان کدملی ۲۱۲۲۶۷۲۸۷۰ به عنوان بدهکار به آدرس گرگان پرونده اجراییه کلاسه فوق ابلاغ می گردد که بانک پاسارگاد گرگان به استناد چک به شماره ۷۰۹۷۲۷ ـ ۹۴/۹/۲ عهده بانک سپه گرگان جهت وصول طلب خود مبادرت به صدور اجراییه علیه شما را نموده و طلب خود را به شرح موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۳۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سیصد و چهل و پنج میلیون ریال) و چون طبق گواهی مامور ابلاغ امکان ابلاغ اجراییه به علت عدم مورد شناسایی قرار نگرفتن میسر نگردیده و بستانکار نیز طبق نامه وارده شماره ۹۵۹۱ ـ ۹۷/۸/۲۱ درخواست درج آگهی در روزنامه را نموده لذا مراتب مفاد اجراییه به شرح فوق با درج یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار در اجرای مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا آگهی می گردد چنانچه پس از ابلاغ اجراییه که ده/۱۰ روز پس از تاریخ انتشار محسوب می شود نسبت به تعهد خود عمل ننمایید حسب درخواست بستانکار عملیات اجرایی پیگیری می گردد و جز این آگهی؛ آگهی دیگری جهت ابلاغ اجراییه صادر نخواهد شد.

مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان ـ نعمت اله عظیمی پور ـ ۲۲۳۴ م الف

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷
پرونده شماره: ۹۷۰۱۰۲۳

آقای یوسف کاشانیان فرزند حسن ش ش ۴۶۶ صادره از گنبد به نشانی گرگان عدالت ۸۱ پلاک ۱۱ مجتمع کورش طبقه ۶ واحد یک بدینوسیله اعلام می گردد پلاک ۳۲۹۰ فرعی از ۱۰۷ ـ اصلی بخش ۳ متعلق به شما در قبال طلب آقای حسین آغیل بازداشت گردیده لذا طبق ماده ۸۷ آیین نامه اجرای مراتب بشما اخطار می شود ضمنا هر گونه نقل و انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی شود. در ضمن این آگهی در یک نوبت در روزنامه منتشر گردیده است.

مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان ـ نعمت اله عظیمی پور ـ ۲۲۳۹ م الف

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

رشد صادرات گلستان

استاندار گلستان با بیان این که شفافیت در زمینه مالی باعث توسعه می شود، از رشد ۶۵ درصدی صادرات در گلستان خبر داد. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در همایش استانی روز حسابدار که در تالار فخرالدین اسعدگرگانی برگزار شد، اظهار کرد: حسابداران همچون کارشناسان رسمی دادگستری و وکلا بهترین سرمایه اجتماعی بوده زیرا با اعتماد فردی در حال رسیدگی به حساب های مردم هستند.وی با بیان این که فعالیت های حسابداران بسیار حساس است، افزود: باید روش های صحیح و مسیرهای مالیاتی درست را به سرمایه گذاران آموزش داد و موجب جلب اعتماد و نه سلب اعتماد اجتماعی شد.هاشمی ادامه داد: سلب اعتماد در هر جامعه ای سبب آسیب و ضربه می شود و این سلب اعتماد چه در حوزه مدیریت شهری، چه در حوزه نیروی انتظامی، چه در حوزه رسانه و در حوزه حسابداری ایراد دارد. وی بیان کرد: ارزش سرمایه های اجتماعی بال است و کشورهایی که از سرمایه های اجتماعی به خوبی استفاده کرده اند، موفق بودند.هاشمی گفت: با افتخار اعلام می کنیم که مسیر توسعه در گلستان سریع تر از بسیاری از استان های کشور است و در طول پنج ساله دولت تدبیر و امید علی رغم سختی های فراوان این اقدام صورت گرفته است. هاشمی تأکید کرد: باید بتوانیم در حوزه صادرات که رشد کشوری ۱۴ درصد است و رشد گلستان ۶۵ درصد در سال جاری بوده این رقم را به ۱۰۰ درصد برسانیم. وی اظهار کرد: باید نرخ بیکاری که از سال قبل تا به امسال از ۱۲.۶ به ۸.۸ درصد رسیده را ثابت نگه داریم و بیش از این کاهش دهیم و در واقع نه تنها فرصت های شغلی فعلی را حفظ کنیم بلکه فرصت های جدید هم ایجاد کنیم. هاشمی افزود: در یک سال اخیر در شرایط سخت اقتصادی و به نوعی جنگ اقتصادی هستیم و همه باید این شرایط را درک کنیم و در کنار هم باشیم و با همدلی شکاف ها را در استان به حداقل برسانیم.وی خاطرنشان کرد: باید با روش هایی اوراق و اسناد توسعه را تا بالاترین سطح ممکن جذب کرده و با همکاری و هماهنگی دستگاه های نظارتی تلاش کنیم ریالی از اعتبارات استان بر نگردد.

ساخت نیروگاه زباله سوز در گلستان

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گلستان از مذکراه با شرکت خارجی برای ساخت نیروگاه زباله سوز در گلستان خبر داد. محسن سمیعی در گفتگو با مهر اظهار کرد: راهبردهای جدید سازمان بر این است که با توجه به پیشرفت های تکنولوژیک جهان در زمینه مدیریت پسماند و چرخه بازیافت، بتوانیم با مشارکت شرکت های معتبر خارجی در زمینه انجام مطالعات و امکان سنجی دفع اصولی و مدرن پسماندها، پروژه هایی را تعریف کنیم.وی افزود: به منظور همکاری های فنی – مهندسی و اقتصادی در حوزه RDF ، بیوگاز (دایجستر) و انتقال فناوری در حوزه غرب استان با شرکت های خارجی وارد مذاکره شده ایم. سمیعی خاطرنشان کرد: ساخت نیروگاه زباله سوز و بیوگاز با ظرفیت ۶۰۰ تن در روز از دیگر محورهای مذاکره با شرکت خارجی بود و به تفاهم و چشم انداز همکاری خوبی رسیده ایم. وی تصریح کرد: نکته دیگر این که قرار شد با در نظر گرفتن تمامی شرایط زیست محیطی و امکانات مورد نیاز، بر اساس کارشناسی میدانی پروژه ها و ارائه طرح مطالعاتی به مرحله اجرا برسد.

نخستین جشنواره مجریان و گویندگان مدارس گرگان برگزار شد

نخستین جشنواره مجریان و گویندگان مدارس گرگان برگزار شد. به گزارش مهر، برای نخستین بار جشنواره مجریان و گویندگان مدارس شهرستان گرگان، ظهر چهارشنبه با همت کانون فرهنگی تربیتی آفرینش برگزار شد.در این مراسم بیش از ۳۰۰ دانش آموز دختر و پسر علاقمند مجری گری و گویندگی حضور یافته و تست دادند. بعد از بررسی داوران ۶ نفر به عنوان بهترین‌ها انتخاب خواهند شد و در اواخر بهمن یا اوایل اسفندماه سال جاری جشنواره‌ای هم با حضور افراد مستعد برگزار خواهد شد.گفتنی است که قبل از جشنواره سه کارگاه آموزشی هم برای این افراد گذاشته می‌شود تا با آمادگی بیشتری در آن شرکت یابند.کشف استعدادهای دانش آموزان و بهره گیری از آن از جمله اهداف این جشنواره بود.

یادداشت

چگونه افلاطون بخوانیم؟

حامد صفاریان

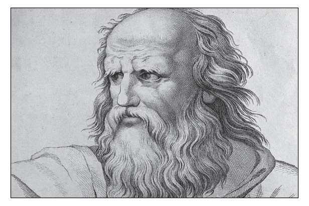

از روزی که به اهمیت حصول درکی منسجم از فلسفهٔ افلاطون (خاصه ذیل مکتب توبینگن) به عنوان یکی از ضروریات ورود به فلسفهٔ هگل اشاره و بر آن تأکید فراوان کردم -و پس از آن نیز پیوسته بدان خواهم پرداخت و آن را بسط خواهم داد-، مکرراً از سوی مخاطبان با این پرسش مواجه شده‌ام که «چگونه افلاطون بخوانیم؟» کلیاتی را که در پی می‌آید باید صرفاً به عنوان یک پیشنهاد مبتنی بر تجربهٔ شخصی تلقی کرد، و به‌خصوص، با نگاهی نقادانه بدان نگریست. برای خواندن افلاطون باید پیش از هرچیز فهمی تاریخ‌فلسفه‌ای از آن حاصل کرد، یعنی از یک سو، پرداختن به زمینه و زمانهٔ فیلسوف، و از سوی دیگر، پرداختن به جایگاه فلسفهٔ او در متن تاریخ فلسفه از آغاز تا دوران مدرن. برای این کار می‌توان به متون کلی و تاریخ‌فلسفه‌ها مراجعه کرد. آنگاه باید بلافاصله به سراغ متون اصلی (شامل همهٔ دیالوگ‌ها و نامه‌ها) رفت. در این مرحله، خواندن آثار از روی ترجمه‌های فارسی، مانند ترجمهٔ لطفی کافی است و چندان نیازی به بیش‌تر از آن نیست. مهم آن است که بتوان در مدت زمانی نسبتاً کوتاه دیدی کلی از موضوعات اصلی متون حاصل کرد، چنان‌که بعدها، وقتی در متون ثانوی به موضوعات یا فقراتی از متن افلاطون ارجاع داده می‌شود، بتوان با داشتن دیدی کلی از جغرافیای متن، جای هر مبحث را در مجموعهٔ آثار یافت.

در مرحلهٔ بعدی می‌توان به‌منظور کسب دیدی کلی نسبت به مکاتب مختلف تفسیر افلاطون به برخی از متون ثانوی مهم و اصلی مکاتب مختلف مراجعه کرد. مراجعهٔ مستقیم به مکتب پیشنهادی نگارنده، یعنی مکتب توبینگن (Tübinger Schule)، این مزیت را دارد که خواننده از رهگذر این مکتب تقریباً با تمامی مکاتب تفسیری دیگر نیز آشنا می‌شود، چراکه فیلسوفان این مکتب مدرن متعلق به نیمهٔ دوم قرن بیستم، در آثار خودِ تقریباً با همهٔ مکاتب پیش از خود دیالوگی پویا برقرار کرده‌اند. به‌این‌ترتیب و از منظر این مکتب، متون افلاطون ترتیب و اولویتی مشخص می‌یابند، چنان‌که اکنون می‌توان به شیوه‌ای منسجم‌تر و دقیق‌تر به خوانش دوباره و چندبارهٔ فقرات اصلی پرداخت. در این مرحله ترجیحاً باید به ترجمه‌های معتبرتر کل آثار در زبان‌های دیگر مانند آلمانی، فرانسه یا انگلیسی و غیره مراجعه کرد، چراکه ترجمهٔ فارسی از این‌جا به بعد به کار نمی‌آید. مجموعهٔ پیشنهادی نگارنده، مجموعهٔ کامل و جدید دو زبانهٔ یونانی-آلمانی بر پایهٔ ترجمهٔ شلایرماخر است.

اکنون می‌توان در یک فرایند پیوستهٔ رفت‌وآمد میان متون ثانوی مکتب توبینگن و ترجمهٔ آثار آرام آرام و در حرکتی پیوسته از سطح به عمق، به لایه‌های زیرین‌تری از متن نفوذ کرد و ذیل مکتب مذکور و با کلیدهایی که آن شیوهٔ خوانش به دست ما می‌دهد، درکی منسجم از این لایه‌های زیرین حاصل کرد و در گشودن برخی گره‌های آن توفیق حاصل کرد، و حتی بعضاً به دیدن چیزهایی در متن توانا شد که از چشم خوانندهٔ معمولی تماماً پوشیده می‌ماند.

در مرحلهٔ بعدی باید فقرات مهم متن را، شامل مفاهیم و اصطلاحات کلیدی متون و ریشه‌های آن‌ها و ارتباطات درونی واژگان و اصطلاحات با یکدیگر را در زبان اصلی، یعنی یونانی، مورد واکاوی دقیق قرار داد. از یک سو، زبان یونانی برای بیان اندیشه‌های فلسفی زبانی بسیار پرقدرت است و بسیاری از صورت‌بندی‌های این زبان عملاً به زبان‌های دیگر قابل ترجمه نیست، چنان‌که حتی زبانی به لحاظ فلسفی قدرتمند، مانند آلمانی، نیز برای ترجمهٔ برخی ظرایف معنایی متون فیلسوفان یونانی ناگزیر از بکارزدن ترفندهای خاصی در ترجمه، و به تبع آن تغییراتی در ساختار جملات و تن‌دادن به برخی اعوجاج‌ها در انتقال معنا است. از سوی دیگر، مراجعه به متن اصلی و مفاهیم آن، مانع از ایجاد پراکندگی‌های صوری دستگاه مفاهیم متون بر اثر ترجمه‌ها می‌شود. عجیب نیست که حتی ترجمهٔ بسیار معتبری مانند ترجمهٔ شلایرماخر به آلمانی نیز خالی از اشکال نیست و در پژوهش‌های دقیق کاربردی ندارد. کافی است کسی تنها یک بار شیوهٔ مواجههٔ فیلسوفان یا فیلولوگ‌های بزرگ (برای مثال مارتین هایدگر یا هانس کرمر) را با متون فیلسوفان یونانی دیده باشد تا به اهمیت مواجهه با این متون در زبان اصلی پی بَرَد.حاصل چنین شیوهٔ برخوردی چیست؟ در یک کلام: عبور از نواحی جامد تاریخ‌فلسفه‌ای و گذر به نواحی زندهٔ مناقشات اصلی بر سر خوانش متون فیلسوف بسیار مهمی چون افلاطون، تکیه بر یک مکتب مشخص و استوار و به تبع آن، حتی‌المقدور بری ماندن از تناقضات و عدم‌انسجام‌ها و بدفهمی‌ها و فهم‌های سطحی، نفوذ به عمق لایه‌های زیرین متن و از همه مهم‌تر: نهادن سنگ بنای یک خوانش استوار از فلسفهٔ هگل که در یادداشت‌های بعدی به مرور بیش‌تر بدان خواهم پرداخت.

الدولة النظامیة

مصطفی نصیری

بی گمان سخن گفتن درباره یک وزیر ایرانی، آن‌هم وزیری در سده‌های اولیه یا آغاز دوره میانی ایران،و مهم‌تر از آنْ داوری در باره او، کار ممکنی نیست مگر آن‌که بتوانیم«منظر» و «موضع» درستی برای نگاه به آن وزیر و مجموعه شرایط تاریخی او اتخاذ کنیم. امروز عادت بر این است که ما عملکرد وزیران دم‌دست خود را با معیار خدماتی که در دوره صدارت انجام می‌دهند و شاخص‌هایی که کسب می‌کنندْ می‌سنجیم،زیرا وزیران امروزی به‌جای آن‌که سیاست‌گذاری کنند، مجریان سیاست‌هایی از پیش دیکته شده هستند.اما هرچه به عقب‌تر برمی‌گردیم، وزیران بویژه صدراعظم‌هاییْدر تاریخ نهاد وزارت در ایران وجود داشتند کهصدارت آن‌ها با بقای تاریخی ایران گره خورده است،و خواجه نظام‌الملک طوسیْ صدراعظم دولت سلجوقی، همو که در باره‌اش گفته‌اند؛ «هزار سال بباید که تا خردمندی / میان اهل کفایتْ نظامْ‌نامْ شود» از مهم‌ترین آن‌هاست. در اهمیت اتخاذ موضع و منظر تفسیری درست به خواجه همین بس که اگر بخواهیم اقدامات او و از منظر سیر تحول عقیدتین شیعه و سنی در قلمرو ایران بسنجیم، کارنامه او برای عقیده‌ای بغایت نکوهیده و برای دیگر به‌همان اندازه ستوده خواهد بود. با تکیه به‌همین اجمال می‌توان دانست که هرگونه نگاه ایدئولوژیکی به وی، جز به نتایجی از پیش تعیین شده منجر نخواهد شد.قبل از ادامه و باتوجه به عنوان این نوشته،یادآور می‌شویم که اصطلاح «دولت» را این‌جا، نه در معنای جدید «State»،بلکه به‌قرینه کتاب تاریخ «دولهٔ آل‌سلجوق» بنداری، در معنای قدیم «سلطه و حاکمیت ناپایدار و به‌نوبت»بکار می‌بریم.برادران ابن‌اثیردر نوشته‌های خود به برتری فکری و فرهنگی ایرانیان التفاتی ویژه دارند، و این نکته را از توجه آگاهانه آن‌ها به منابع فارسی و ادب ایرانشهری ـ مثل اشاره ضیاءالدین ابن‌اثیر به فردوسی در موضع خودآگاهی تاریخی و اشاره عزالدین ابن‌ثیر به خواجه نظام‌الملکدر موضع سیاست ـ به‌راحتی می‌توان دریافت.از ضیاءالدین که شاهنامه را «قرآن‌القوم» ایرانیان نامیده است که بگذریم، عزالدین در یک ارزیابی عمیق از نقش بنیادین خواجه در تعیینماهیت نظام علم و سیاست، و به‌قیاس از مدرسه‌های علمی موسوم به«النظامیهٔ» که در اکثر شهرهای مهم آن دوره به‌دست خواجهتاسیس شده بود،دولت سلجوقی را «الدولهٔ النظامیهٔ» نامیده است، زیرا او در خلال بیش از نیم‌قرن کار دیوانی که ۳۰ سال آن به صدارت عظمایی سپری شد، از حیث نظریْ بنیادی نوآیین از دولت و سلطنت ایرانی را در تداوم سنت ایرانشهری در کتاب «سیاست‌نامه» خود ارائه کرد، و در عمل نیز قلمرو «الدولهٔ‌النظامیهٔ» را به مرزهای امپراتوری تاریخی ایرانی نزدیک ساخت.اهمیت و برتری سیاست‌نامه یا «سِیَرالملوک» خواجه در قیاس با انواع سیرالملوک‌های ترجمه شده به‌عربی از منابع پهلوی در این است که سیاست‌نامه خواجه، تالیفی نوآیینْ برمبنای اندیشه ایرانشهری و با توجه به شرایط تاریخی جدید است.

ترکان سلجوقی قبل از ورود به ایران و به‌دست گرفتن مقالید امور ایران و جهان اسلام، دارای آموزش و تربیت سیاسی و فرهنگی نبودند. خواجهاز نافرهیختگی تمدنیترکانْ به‌مثابه یک «امکان» مهم سود جست و آن‌ها را بر پایه تنها«سنت» سیاسی‌فرهنگی تئوریزه شده در حوزه خلافت که ایرانشهرانهبود، آموزش داد و از آن‌ها پاسدارانی برای فرهنگ و اندیشه سیاسی ایرانشهری ساخت. شکی نیست که «سنت شفاهی» در دربار سلاطین و امراء سلجوقی، سنت زبان ترکی بود، اما آن‌ها نمی‌توانستند در کنار سنت شفاهی ترکی، «سنت کتبی» نیز با زبان خود ایجاد کنند، زیرا نیازی به‌توضیح نیست که سنت کتبی نیازمند پایه‌های تمدنی است که ترکان تهی از آن بودند.جالب است بدانیم که مبانی فرهنگی‌سیاسی سنت کتبی، حتی در کشورهای ترکی‌زبان امروزی مثل ترکیه و جمهوری آذربایجان که باید آن را رسما «جمهوری آران» بنامیم، نیز ترکی نیست و نمی‌تواند ترکی باشد، زیرا تمام مفاهیم ناظر به مبانی سیاسی‌فرهنگی، یا فارسیْ و یا عربی با میانجی فارسی است. برای نشان دادن این نکته به دو مصداق روشن اشاره کوتاهی می‌کنم. پان‌ترک‌هایی که با آب و تاب فراوان شعر معروف «محمدتقی زهتابی» را زمزمه می‌کنند، اگر قدری دقت کنند، که البته انتظار نابجایی از آنان است، به‌روشنی درمی‌یابند که شاعرشان در کنار کلماتی مانند آب و نان و نمک و خوردن و خوابیدن و ... که از مادرش آموخته است، نتوانسته حتی به «یک» مفهوم تمدنی اعم از سیاسی و فرهنگی و ... اشاره کند که آن را از مام زبان ترکی آموخته باشد!! مورد دوم ترجمه کتاب شهریار ماکیاوللی به زبان ترکی است. آن‌ها برای عنوان کتاب نتوانسته‌اند معادلی ترکی پیدا کنند و ناچار یکبار از ترکیب فارسی‌عربی «حُکُمْدار HUKUMDAR» و یکبار از کلمه اصلی با تلفظ ترکی «PRENS» استفاده کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که آنان قبل از ورود به ایران فاقد تجربه تمدنی بوده‌اند و به‌همین دلیل، مبانی سیاسی‌فرهنگی خود را برای همیشه وامدار زبان و فرهنگ ایرانشهری هستند، هرچند ناسپاسی کنند.باری، زمانی که خواجه وظیفه داشت به‌دستور «ملکشاه» سلجوقی در «معنی مُلک» در «آیین و رسم مُلک و مُلوک» در «روزگار گذشته» اندیشه کند،هرچند از حیث آیین و رسم مُلک ـ که در این‌جا دقیقا به‌معنی مبانی نظری سیاست می‌باشد ـ تنها سنت «فراداده» و در دسترس او، آیین و رسم «مُلوک‌الفُرس» بود. اما از حیث زبان، بخت با خواجه یار بود که زبان فارسی کمتر از یک سده‌بود که با شاهنامه فردوسی و سپس‌تر ـ همزمان‌خواجه ـ با تاریخ بیهقی کمر راست کرده بود، و او مجبور نبود همانند اسلاف خود، مبانی اندیشه ایرانشهری را در کالبد زبان عربی تزریق کند. اگر بخواهیم برای این نکته درست مستشرقین آغازی تعیین کنیم که اسلام تاریخیْ «دوزبانه» است، بی‌گمان باید به تاریخ نوشته شدن سیاست‌نامه خواجه برگردیم.

کوتاه سخن، نام خواجه یادآور «تداوم تاریخی ایران» از طریق بنیاد نوآیین اندیشه سیاسی ایرانشهری در قامت «الدولهٔ‌النظامیهٔ» و تثبیت زبان فارسی به‌عنوان زبان واحد ایرانی است.

با رجوعی دوباره به ماجرای حسنک وزیر

بایسته ها و شایسته ها

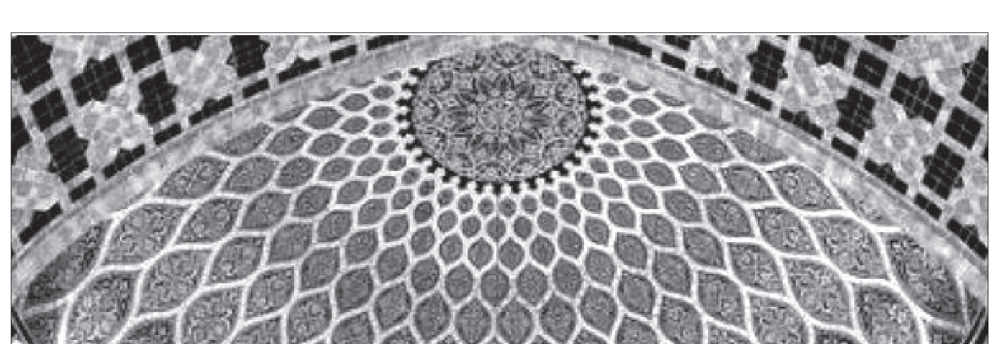

سید مهدی ناظمی قره باغ-تاریخ بیهقی، در غیاب منابع قوی و مدون حاوی اندیشه های سیاسی در تمدن مسلمین، در صورت تفسیر و تحلیل می تواند متن کم رقیبی باشد برای شناخت وضع سیاسی دوره هایی از تمدن اسلامی و تلقی های رایج سیاسی آن زمان. سرتاسر این کتاب با ارزش جا دارد تا دوباره خوانده شود و احوال و اعمال و افکار شخصیتهای زمان خویش را بازشناساند.

در بین انبوهی از ماجراهای مهمی که در این کتاب بیان شده است -صرف نظر از آنچه از روندها و شخصیتها در فرآیند کلی کتاب می توان دریافت- ماجرای «حسنک وزیر» برای ما شهرت بیشتری یافته است. این ماجرا در کتاب بیهقی، برجستگی خاصی دارد و پس از بیهقی نیز بارها خوانده شده و در تاریخ این سرزمین ماندگار گشته است. نظر مشهور این است که حسنک، وزیر سابق سلطان محمود که از امیرمحمد، فرزند دوم سلطان برای جانشینی حمایت کرده بود، به دلیل گرایش به شیعیان، به دستور خلیفه یا گروههای نزدیک به او دستگیر و اعدام می شود.

چه چیزی در ماجرای حسنک اساسی است و آیا ادعای قرمطی بودن او، تا چه حد قابل اعتناست؟ درباره این که خراسانیان همواره گرایشی نسبت به فرقه های شیعه داشتند، بدون آن که لزوماً شیعه باشند، بحثی نیست، اما هیچ دلیلی برای شیعه بودن حسنک وجود ندارد. حسنک، وزیر سلطانی است که در ری جنایتهای بزرگی انجام داد و شیعیان را قتل عام کرد و کتابهای ایشان را سوزاند. علاوه بر این، بیهقی خود به صراحت می گوید که در هنگام دار زدن حسنک، «دو مرد پیک راست کردند با جامه ی پیکان که از بغداد آمده اند و نامه خلیفه آورده که حسنک قرمطی را بر دار باید زد و به سنگ باید کشت...»پس هر آنچه که قبلاً بین سلطان محمود و خلیفه عباسی بوده است، در زمان سلطان مسعود منقضی شده است و «پیکهای قلابی» بر سر دار حاضر شده اند. ماجرای سلطان محمود و خلعت گرفتن حسنک از خلیفه مصر نیز مطلب چندان مبهمی نیست. در واقع سلطان محمود هیچ پیوند محکمی با خلیفه عباسی نداشت. از یاد نبریم که بغداد در دست آل بویه است! بدیهیست که سلطان محمود بد نمی دانست گزینه های دیگری را هم برای کسب مشروعیت یا حداقل اخطار به بغداد مزمزه کند. خلیفه بغداد هم -یا چه بسا آل بویه در پشت پرده- به صورت متقابل خطرناک بودن بازی محمود را از آن راه به او گوشزد کرده بود. بنابراین نباید گزینه مذهبی و فرقه ای بودن این اعدام را جدی گرفت. اساساً چقدر می توان این را جدی گرفت وقتی دربار خود خلیفه بغدادی و آل بویه از بسیاری رجال نزدیک به شیعه استفاده می کند؟! سبک نگارش بیهقی در شرح ماجرای حسنک، بسیار تأثیرگذار است و نشان می دهد او سعی دارد در پس ادبیات فاخر و رسمی خود، سوزدلی را با مخاطب در میان بگذارد و او را متوجه وقایعی کند که میَ توانست رخ ندهد و از این راه عبرتی برای خواننده ایجاد کند. ما نیز در یک مرور سریع، چندنکته‌قابل‌توجه‌ازاین‌واقعه‌رابازگومی‌کنیم:

-حسنک قطعاً مرتکب تخلف سیاسی نابخشودنی شده بود. او از امیرمحمد حمایت کرده بود. به نظر می رسد نظر سلطان محمود در اواخر عمر به سمت امیرمحمد گرایش پیدا کرده بود، ولی امیرمحمد فرصتی برای جلب محبوبیت و کسب قدرت سیاسی نیافت و براحتی خلع شد و مسعود سلطنت را به دست آورد. اما غیر از این اقدام جانبدارانه و غیر قابل بخشش حسنک، او مرتکب یک نابلدی سیاسی هم شده بود. در زمان سلطان محمود، با مسعود درشتی کرده بود و جمله مشهور او: «چون پادشاه شوی، ما را بر دار کن» بر یاد مانده بود. خیره سری و قاعده ستیزی شاهزادگان، امری متداول بوده است. وزیران هم باید در این امر، میانه ای را رعایت می کردند که نه زمام امور از دست خارج شود، نه بلوایی از ناحیه شاهزادگان ایجاد گردد. اولین نکته ای که می توان اینجا دریافت، این است که:«حسنک، از پشتیبانی بالایی از ناحیه سلطان محمود برخوردار بوده است که چنین جسارتی در برابر ولیعهد به خرج داده است». به هر حال این ماجرا یک کدورت جدی بین این دو ایجاد کرده است و شاید هم حسنک گمان می کرد اگر قدرت در دست امیرمحمد باشد، بهتر می تواند وزارت کند. درباره این که آیا حسنک وزیری شایسته و قوی بود یا نه، براحتی می توانیم اقتدار و آرامش دوران محمود را با تشتت و زوال دوران مسعود مقایسه کنیم.

-آیا مجازات حسنک اعدام بود؟ این بود که اگر سلطان دستور به اعدام می داد کسی یارای مقاومت نداشت، ولی اعدام مجازات متداولی برای نیروهای دربار نبود، حتی وقتی که خیانتی را مرتکب می شدند. دقت داشته باشیم که حسنک، وزیر است و هر خاندانی که به قدرت می رسید باز هم وزارت بین ایرانی ها رد و بدل می شد و خاندانهای اهل وزارت، ادعای سلطنت نداشتند. به همین خاطر حتی در جنگها نیز مجازات وزیران و درباریان ایرانی، (اگر مسأله دیگری در میان نبود)، سنگین نمی شد و حتی گاهی از همیشان برای سلسله بعدی بهره برده می شد-شاید ایرانی ها هم قرارداد نانوشته ای داشته اند که در رقابت بین سلسله ها و سلاطین زیاد با خودشان خصومت نورزند تا زندگی عامه مردم به سلامت بماند-؛ چه رسد اینجا که مسأله یک اختلاف سیاسی درون یک سلسله است. پس تا اینجا دریافتیم که هر چند حسنک مرتکب هم بی مبالاتی و هم تخلف شده بود، اما مجازات اعدام برای او فهمیدنی نیست.

-بنا بر روایت بیهقی، هر چند حسنک بلافاصله دستگیر می شود -و حتی قبل از آنکه اموال او به صورت رسمی غصب شود، به صورت غیر رسمی در نیشابور مورد بهره برداری قرار می گیرد- اما سلطان مسعود تصمیمی برای اعدام او نداشت. همانطور که همه می دانیم، عامل اصلی برای تحریک مسعود جهت حکم اعدام، وزیر جنگ او، بوسهل زوزنی بود. بیهقی که در سرتاسر کتاب اشتباهات و مشکلات ناشی از بوسهل را بیان می دارد چنین درباره او می گوید: «این بوسهل مردی امام زاده و محتشم و فاضل و ادیب بود، اما شرارتی و زعارتی در طبع وی مؤکد شده. و با آن شرارت، دلسوزی نداشت.» پس باید بدانیم که بوسهل صرفاً یک دیوانسالار بالهوس نبود. او یک فقیه تندرو یا یک سپهسالار یا یک غلام هندو و ترک هم نبود. او یک دیوانسالار ایرانی فاضل بود. در ادامه، بیهقی توضیح می دهد که خصوصیت روانی بوسهل چنان بود که هرگاه ستاره اقبال کسی خاموش می شد و امیر بر او خشم می گرفت، بوسهل با سخن چینی، تنور آتش خشم امیر را شعله ورتر می ساخت تا بعد از آنکه آن عامل مجازات بشود، بگوید من این بلا را سر او آوردم و جالب این که بلافاصله بیهقی یادآور می شود: «و خردمندان دانستندی که نه چنان است».

-سلطان مسعود سرانجام تسلیم فشارهای بوسهل زوزنی می شود و در مجلسی فرمایشی از درباریان و عالمان و... اموال او را بررسی و مکتوب و غصب و حکم اعدام او را صادر می کنند. در سرتاسر این ماجرا بیهقی توضیح می دهد که چه عامه مردم و چه درباریان و حتی کسی که از جانب بوسهل، مأمور به شکنجه حسنک شده بود، مراعات حسنک را می کردند.احتمالاً هیبت او به گونه ای بوده است که کمتر کسی به خود جرأت برخورد با این وزیر باسابقه سلطان محمود را می داد. بنابراین، هر چند جوّ عمومی به نفع حسنک بود، کسی موفق نشد و او را از این مجازات سنگین نجات بدهد. مهمترین دلیلی که بیهقی درباره علت این کار بوسهل ذکر می کند، این است که حسنک در دوران وزارت خود، بوسهل را گوشمالی داده است.بوسهل در پی این کینه قدیمی، اکنون و پس از چرخش روزگار، فرصتی برای مجازاتی سنگین یافته است.

-اما برخورد دیگران هم با حسنک قابل تأمل است. تقریباً هیچ کسی جرأت نمی کند که از حسنک شفاعت کند. در واقع سلطان مسعود بر این کار مصمم شده بود و هر کسی یارای شفاعت نداشت. اما اگر یک نفر بود که می توانست شفاعت کند، وزیر او یعنی خواجه احمد حسن بوده است. در متن چندان مشخص نیست که خواجه احمد که به فضایل حسنک واقف بود و بر او احترام بسیار می گذاشت، چرا تلاش جدی برای تخفیف مجازات او نمی کند و حال آنکه سلطان مسعود به او قول حمایت تمام و کمال داده بود. اینجاست که باید دقت داشت، همکاری در یک زد و بند سیاسی کثیف، فقط محدود به دخالت مستقیم نیست، کنار کشیدن از ماجرا نیز خود نوعی همکاری غیر مستقیم است. از یاد نبریم حسنک، به نوعی رقیب احمد حسن محسوب می شود. شاید این امر به صورتی است که حتی خود خواجه هم بر آن واقف نشده است، در تعلل او اثرگذار بوده است.

-اشتباه مسعود چه بود و چرا در این امر خود را بدنام کرد؟ مسعود سالها بعد و در فاجعه دیگری که بوسهل ایجاد می کند، خود اعتراف می کند که علت این همه عنایت او به بوسهل زوزنی چیست و حال آن که بارها بر او ثابت شده بود که این مرد لیاقت این جایگاه را ندارد. بوسهل در آغاز سلطنت مسعود، به او کمک کرده بود و این کمکهای قدیمی، ارادتی در مسعود ایجاد کرده بود که بخاطر همین ارادت و خدمات ماضی، بوسهل مقام بالایی یافته بود و اشتباهات پی در پی او نیز نادیده گرفته می شد. غیر از این اشتباه اصلی، یعنی ملاک گرفتن رابطه کاری خوب او در گذشته و بی تفاوتی در برابر درشت خویی ها و بی خردی های او، اشتباه دیگری هم مسعود داشت. مسعود در آغاز سلطنت بود و عطش داشت تا هر چه سریع تر ارکان قدرت را در اختیار بگیرد. به همین خاطر گمان می کرد رجال برجسته سلطان محمود، بهتر است که تضعیف شوند تا او راحت تر بر تخت تکیه دهد. مسعود متوجه نبود که اصلاً بخشی از قدرت محمود، همین رجال برجسته و متحد او بودند. وگرنه مسعود چه در شجاعت و جنگ آوری و حتی در فضل و علم از محمود چیزی کم نداشت. او به اعتراف بیهقی بهترین سلطان در امور امنیتی بود و در سرتاسر سرزمین از کوچکترین وقایع مطلع می شد و حتی در زمان ولیعهدی، اخبار دربار محمود به او گزارش می شد. حتی شاید بتوان گفت به اندازه محمود قسی القلب نبود. اشتباه اصلی مسعود، در نشناختن راه و رسم اداره کشور و تعامل با طبقات مختلف سیاستمداران بود.

-اشتباه دیوانسالاران و بزرگان این بود که گمان می کردند فتنه بوسهل دامن گیر ایشان نخواهد شد. حال آن که بوسهل مکرراً مشکل آفرینی می کرد و سرانجام در آخرین مشکل او را تبعید کردند ولی او حتی پس از گذراندن تبعید و بازگشت بر سر قدرت نیز باز بی خردی خود را ادامه داد. دیوانسالاران و بزرگان، به خیال این که ماجرای حسنک یک استثناء در دربار مسعودخواهد بود و رجال دیگری [illegible] باقی خواهند ماند، در ماجرای اعدام او سکوت کردند. حال آنکه اعدام حسنک سرآغاز حذف رسمی و غیر رسمی بسیاری از رجال برجسته نظامی و سیاسی شد که معلوم نیست بسیاری از آنها درست بوده باشد.

-آنچه اینجا برای ما مهم است این است که دریابیم ماجرای حسنک چه تبعاتی برای غزنویان داشت و بنابراین قصد جهت گیری له یا علیه غزنویان را در مقابل دیگر سلسله ها نداریم و آن را امر مهمی نمی دانیم. اعدام حسنک باعث شد قدرت بوسهل بالا برود. بوسهل در بزرگترین اشتباه خود باعث ایجاد اختلاف شدید بین آلتون تاش خوارزمشاه، متحد نیرومند و خردمند مسعود با غزنویان شد. این ماجرا سرسلسله مسائل نظامی و سیاسی متعددی شد که سرانجام به قدرت گیری ترکان سلجوقی در خراسان و سقوط مسعود منتهی گشت. در همان زمانی که خوارزم در بحران و احتمال جدایی بود، خواجه احمد حسن فوت می کند و چون هیچ جایگزینی برای او قابل تصور نبود، خواجه احمد عبدالصمد از خوارزم فراخوان می شود. رفتن احمد عبدالصمد باعث آشفته تر شدن خوارزم و جدایی آن از حکومت مرکزی می گردد. آیا اگر حسنک زنده مانده بود و سالیانی را در زندان سپری می کرد، اکنون نمی توانست جایگزینی برای احمد حسن باشد تا احمد عبدالصمد در خوارزم که از مهمترین قلمروهای قدرت بود، باقی بماند و خوارزم عامل فشاری باشد برای ترکان متجاوز به غزنویان؟

-چنان که گفته شد، این ماجرای تاریخی عبرتی در خود دارد و آن عبرت حتی اگر کل ماجرا یک داستان هم بوده باشد، بر جای خود باقیست. اما قبل از جمع بندی عبرتهای فوق الذکر، یک گمانه ای را هم طرح کنیم: ترکان غزنوی، ترکان ساکن درتمدن اسلامی بودند و فرهنگ ایرانی را تا حد قابل توجهی پذیرفته بودند. هر چند محمود جنایات زیادی را در قبال شیعیان و هندوان مرتکب شد، ولی این سلسله برای هضم شدن در فرهنگ ایرانی موانع بسیاری کمتری داشت تا سلسله سلجوقیان. شاید اگر غزنویان موفق می شدند معبر ورود بیگانگان به خراسان را ببندند، در نسلهای بعدی راحت تر و بهتر در فرهنگ ایرانی سازگاری می یافتند و دیگران از جمله مغولها احساس نمی کردند دروازه همیشه بازی از سوی خراسان به آنها گشوده است. خراسان حتی در زمان سلجوقیان هم که سلسله مقتدری بودند، آرامش طولانی مدتی را تجربه نکرد و این بخاطر این بود که هیچگاه ارکان قدرت در این سرزمین نمی توانستند به ائتلاف طولانی مدتی برسند. این آشفتگی خراسان به تدریج در کل ایران و شرق عالم اسلام بسط می یافت. فعلاً از سخت گیری های مذهبی سلجوقیان و فرصت یابی دستگاه خلافت عباسی برای بازتولید نظریه سیاسی منحط خویش در عالم اسلام، صرف نظر می کنم.

عبرتهایی که از ماجرای حسنک می توان جمع بندی کرد، مسائلی هستند که حتی همین امروز هم بسیاری از ما در هر رده مدیریتی و سیاسی که باشیم با آن درگیر هستیم:

۱.ترس از وزیران برجسته و قوی و تلاش برای محدود کردن آنها، یکی از معضلات اصلی رجال سیاسی و مدیران ارشد است. آنها گمان می برند با حضور افراد سنگین و قوی، زیر سؤال می روند و نمی توانند اهداف مد نظر خود را جلو می برند. این تلقی اشتباه است زیرا وزیر خردمند، کمک می کند تا سیاستمدار، اشتباهات را ببیند و نه این که مانع رشد او گردد.

۲.حضور دیوانسالارانی که به دنبال خوش آمد مدیر هستند، امری همیشگی در فرآیند کار است. از دلایلی که باعث می شود این قشر در کنار مدیر، قدرت پیدا کنند، پیدا کردن اولویتهای شخصی مدیران است. در ماجرای فوق، مهمترین دلیلی که ذکر شد، خدمات گذشته بوسهل به مسعود بود. این حتی همین امروز هم یکی از دلایل مهم بکارگیری نیروهای خوش آمدگو و ناکارآمد است. مدیران حسب خدمتی که معاونی در گذشته به او داشته است، احساس دین می کنند و سعی دارند به او مسؤولیتی بدهند و ناتوانی او را در انجام این مسؤولیت یا سایر حاشیه سازیهای وی را نادیده می گیرند.

۳.کم توجهی مدیران به خصومتهای شخصی زیردستان است. سلطان مسعود با وجود این که متوجه است این کینه شخصی بوسهل با حسنک است که باعث این فتنه شده است، باز هم بی توجهی می کند. مسعود شاید گمان می کرد با این کار می تواند ننگ کار را گردن بوسهل و خلیفه بیندازد و در مقابل از دست تندزبانی های حسنک راحت شود. حال آنکه کنار رفتن حسنک، یعنی تزلزل در خردورزی و توسعه بالهوسی و ننگ این کار و ننگ زوال زودهنگام غزنویان به نام مسعود باقی ماند.

۴.سرانجام یادآوری کنیم که سایر اهل دانش و اندیشه نباید بخاطر رقابتها یا ترس از موقعیت، در برابر حذف خردمندان سکوت کنند. سکوت آنها، چنان که برای مخاطب ما نیازی به شرح بیشتر ندارد،منجر می شود به حذف هر چه بیشتر خردمندان و خردورزی تا جایی که بالاخره نه از تاک نشانی ماند و نه از تاکنشان.

پژوهشگر فلسفه

نقدی بر طراحی پوستر درسگفتای از صالح نجفی

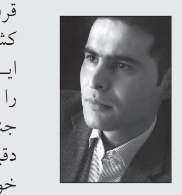

مازیار عارفانی

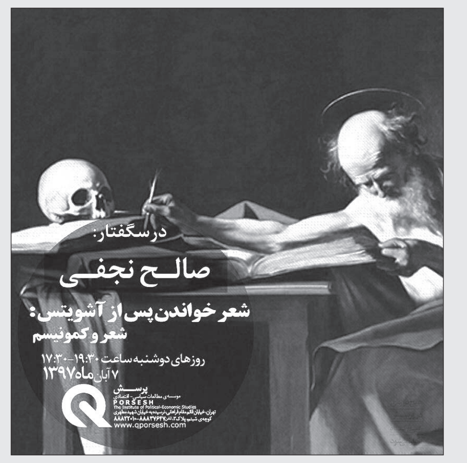در حضور اینهمه تصاویر دردناک جنگ جهانی دوم، آشویتس و کشتارهای بی‌رحمانه قرن بیستم، چه می‌شود که نقاشی کاراواجو در ذیل درس‌گفتار صالح نجفی آن هم با عنوان «شعر خواندن پس از آشویتس: شعر و کمونیسم» سر بر می‌کند؟ آیا ارتباطی میان عصر باروک، نقاشی‌های عمدتن مذهبی و جامعه‌ای بسته‌ی قرن شانزدهم و فضای سرکش آثار کاراواجو با نسل‌کشی‌ها و کشتارهای قرن بیستم وجود دارد؟ این ارتباط چیست؟ چقدر این ارتباط قدرتمند است که صرفن این دو گره‌گاه تاریخی را به همنشینی دعوت می‌کند؟ چرا آشویتس در همنشینی با جنگ‌های صلیبی یا حتا اسطوره‌های کشتار دیگر ننشسته و دقیقن با کاراواجو و تابلو «سن‌جرمه» همراستا شده است؟ چرا خود تصاویر آشویتس نباید پس‌زمینه این درس‌گفتار باشد؟ اگر بپذیریم که «سن‌جرمه» جایگزین «آشویتس» شده است، این بدان معناست که عملی استعاری رخ داده است و چیزی جایگزین چیز دیگر شده است. اما این چیز دوم، چقدر می‌تواند آن چیز اول را همپوشانی کند؟ آن جمجمه‌ی کاراواجویی که نشانه‌ای از مذهب و مرگ در عصر باروک است کجا و جمجمه‌های «آشویتسی» و «کمونیسم» کجا؟ اگر فرض را نیز بر اشتباه، سهل‌انگاری یا سرچ گوگلی-ویکیپدیایی گرافیست بگذاریم نیز اوضاع دردناک‌ترینْ خواهد شد. قربانیان آشویتس این‌بار قربانی کج‌فهمی مفاهیم شده‌اند. موسسه‌ای که قرار است جهان و شعر خواندن پس از آن را در ویترین خود قرار دهد، دست به دست‌کاری تصویر می‌زند، بی‌آنکه با عمق فاجعه کاری داشته باشد و احتمالن می‌پندارد نقاشی کاراواجو خوشگل‌تر است، مفهومی‌تر است، دهن‌پُرکن‌تر است. گرافیست، احتمالن بی‌آنکه به مفاهیم مهم درس‌گفتار صالح نجفی دقت کند، تصویری بازاری‌تر، جذاب‌تر و کالایی‌شده برمی‌گزیند که بر زمینه ارجحیت داشته و هیچ سنخیتی با محتوای برنامه ندارد. در واقع پس‌زمینه، زمینه را می‌بلعد. زیبایی تصویر، همه چیز را در خود فرو می‌کشد و پوستری باکیفیت و شیک به دست می‌دهد که نسبتی با کشتار و آشویتس و کمونیسم ندارد. ولی مگر صالح نجفی پوستر را ندیده است؟ اگر ندیده باشد داستانی است و اگر دیده باشد داستان دیگری